

اهوازی‌ها: کم‌کاری مسؤولان را پای انقلاب نمی‌نویسیم

میلیون‌ها ایرانی در روز ۲۲ بهمن در پاسخ به گستاخی‌های مقامات آمریکایی، خواستار حفظ حقوق هسته‌ای، لغو همه تحریم‌ها و صیانت از عزت ملی در مذاکرات شدند - صفحه ۲

مشت‌ملت روی میز



حکیم ابراهیم‌حجندی، وکیل امر

یادداشت روز

خیانت در خط مقدم؟

سیدعابدین نورالدینی

توافق ۲ مرحله‌ای دیگر جایی روی میز مذاکره هسته‌ای ندارد. تهدیدهای اوپاما و کری را کسی در ایران جدی نمی‌گیرد، چراکه اوپاما پیش از این نشان داد بشدت نیازمند مذاکره است. برنامه او برای مذاکرات اگرچه اکنون و با حذف گزینه ۲ مرحله‌ای شدن توافق، آسیب جدی دیده اما در اصل آسیبی به اصل مذاکره و توافق وارد نشده است. در میان همه رهبران ۵+۱ تنها این اوپاما و جان کری هستند که از مخالفت رهبر ایران با ۲ مرحله‌ای شدن توافق ناراحت شده‌اند! آنها به‌رغم تهدید به عدم تمدید مذاکره، اما پنهانی برای این کار ندارند و در صورت اقدام، متهم به ترک میز مذاکره خواهند شد. ایران معتقد به توافق خوب است بنابراین مذاکره تا رسیدن به نقطه مشترک، یعنی «توافق خوب برای طرفین» و نه تنها برای آمریکا، باید ادامه یابد. به عبارتی اگر کمیته بانکداری سنای آمریکا در ۲۹ ژانویه با تصویب طرحی، شرایط را برای فشار بیشتر آمریکا بر ایران در مذاکرات هسته‌ای فراهم کرده بود، اکنون با این موضع بموقع رهبری و حمایت میلیون‌مردم ایران از آن، این فشار مرتفع شده است. اگرچه توافقنامه ژنو مبتنی یک مذاکرات نابرابر است اما پس از توافق ژنو، شاید این بهترین شرایط ایران برای مذاکرات بوده باشد. مسؤولان دیپلماتی کشور، خاصه آقای جواد ظریف نیز صراحتاً از این موضع مذاکره‌ای حمایت کردند. ظریف دیروز در راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن در تهران گفت توافق قابل دفاع و ستایش است و در راستای ایجاد انسجام ملی در مذاکرات هسته‌ای باید ارزیابی شود اما وقتی آقای روحانی در سخنرانی جشن ۲۲ بهمن از «خیانت پشت جبهه» می‌گوید؛ دیگر نمی‌توان به سادگی از کنار این موضوع گذشت.

ادامه در صفحه ۶

بین‌الملل

نیویورک تایمز، دوم فوریه (چهاردهم بهمن) در گزارشی از بررسی احتمال ارسال سلاح از سوی آمریکا به دولت اوکراین به ارزش ۳ میلیارد دلار خبر داد و تأکید کرد جان کری، وزیر امور خارجه و ژنرال مارتین دمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا مشکلی با بحث در این باره ندارند.

گزارش نیویورک تایمز در حالی منتشر شده که سایت «خبر دفاعی» نیز گزارش داده است آمریکا بهار ۲۰۱۵ (۱۳۹۴)، شماری از نیروهای خود را به منظور آموزش گارد ملی اوکراین به این کشور اعزام و ارسال خودروهای زرهی را آغاز خواهد کرد. بوجدی لازم برای این اقدامات با مجوز کنگره از صندوق عملیات‌های غیرمترقبه امنیت جهانی» تأمین می‌شود که از سوی دولت اوپاما برای سال مالی ۲۰۱۵ به منظور کمک به آموزش و تجهیز نیروهای مسلح کشورهای متحد در سراسر جهان درخواست شده است.

این در حالی است که تصاویر تلویزیون اوکراین در ماه ژانویه ژنرال «بن هاجز» فرمانده نیروهای آمریکایی در اروپا را در حالی نشان می‌دهد که مدال‌هایی را به سربازان مجروح اوکراینی اعطا می‌کند. به نظر می‌رسد درگیر شدن آمریکا در یک جنگ داخلی بیش از آنکه براساس منطق باشد مبتنی بر جنبه‌های تبلیغاتی و پوشش‌های خبری - رسانه‌ای است که تداعی کننده جنگ‌های بسیاری است که به دلایل نادرست آغاز شده و پایان فاجعه‌باری داشته‌اند و بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان آشنا به روابط بین‌الملل به آمریکا نسبت به درگیر شدن در باتلاق اوکراین و نتایج غیرقابل کنترل این ماجراجویی هشدار داده‌اند که در راس آنها نام چهره‌های سرشناسی چون «هنری کیسینجر» وزیر اسبق خارجه و مشاور پیشین امنیت ملی آمریکا و از نظریه‌پردازان سیاست خارجی این کشور و پروفیسور «نوام چامسکی» از منتقدان سرشناس سیاست‌های کاخ سفید دیده می‌شود.

نگرش‌های کیسینجر و چامسکی در قبال بحران اوکراین بسیار شبیه است، اگرچه چامسکی از منتقدان جدی سیاست‌های کیسینجر در بمباران آسیای جنوب شرقی و کودتاهای متعددی بوده

چرا آمریکا اصرار به شکست خوردن در بحران اوکراین دارد؟!

محمدابراهی

که در دوران صدارت وی علیه رهبران دموکراتیک صورت گرفته است به گونه‌ای که چامسکی اعلام کرده «در دنیای عادل» کیسینجر قطعاً به دلیل این اقدامات مورد پیگرد قضایی قرار می‌گرفت. اما در بحث حاضر به جنایات کیسینجر نمی‌پردازیم بلکه به این نکته تأکید می‌شود که چامسکی و کیسینجر در قبال موضوع اوکراین اساساً با یکدیگر اتفاق نظر دارند و بسر این باورند که سیاست‌های تجلوز کارانه دولت اوپاما و البته دیدگاه‌های سناتور جان مک‌کین - که البته جالب است که این دو نیز که همیشه اختلاف دارند، بر سر دخالت در امور روسیه درباره مناقشه اوکراین اتفاق نظر دارند- باعث تشدید بحران خواهد شد و جالب اینکه ژنرال «ویکتور مونژکو» رئیس ستاد مشترک ارتش اوکراین در اظهاراتی مهم و در تضاد با ادعاهای دولت اوپاما و دولت کی‌یف اعلام کرده هیچ مدرکی دال بر اینکه نیروهای روس در حال نبرد با نیروهای اوکراینی هستند وجود ندارد؛ امری که ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه بارها بر آن تأکید داشته است.

حال سؤال این است؛ اگر نیروهای روسیه هیچ نقشی در درگیری‌های اوکراین ندارند و صرفاً نیروهای جدایی‌طلب، در حال جنگ با نیروهای اوکراینی هستند چرا آمریکا به دنبال درگیر کردن خود در جنگی با پایایی غیرقابل پیش‌بینی است و به ارسال سلاح‌های رزمی برای دولت اوکراین می‌اندیشد که قطعاً این اقدام، مسکو و در راس آن «رئیس‌جمهور پوتین» را به‌شدت عمل مجبور می‌سازد؟

تحریم‌های اعمال شده از سوی اتحادیه اروپایی و آمریکا بر مبنای نادرست صورت گرفته چرا که اساساً هیچ واحد نظامی روس در حال مبارزه با نیروهای اوکراینی نیست. چامسکی بحران اوکراین را «جدی و تهدیدکننده» توصیف کرده و تصریح می‌کند برخی این بحران را با بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ مقایسه می‌کنند. وی درباره روسیه و کریمه اینگونه

بحث می‌کند: «کریمه از جنبه تاریخی متعلق به روسیه است و تنها بندر آب گرم روسیه در آن قرار دارد و خانه ناوگان روسیه محسوب می‌شود و از این رو از جنبه راهبردی دارای اهمیت فراوانی است.» کیسینجر نیز در اظهاراتی مشابه در گفت‌وگو با مجله آلمانی «شپینگل» که در شماره ماه نوامبر آن منتشر شد، می‌گوید: «اوکراین همواره برای روسیه دارای اهمیت ویژه بوده است و عدم درک این موضوع اشتباه خواهد بود.» وی می‌افزاید: «کریمه مورد خاصی است. اوکراین برای مدت‌های مدید بخشی از روسیه بوده است. نمی‌توان پذیرفت کشوری مرزهایش را تغییر دهد و استان یک کشور دیگر را از آن خود کند اما اگر غرب با خود صادق است، باید به اشتباهات خود اعتراف کند. الحاق کریمه اقدامی به سوی غلبه جهانی (از سوی روسیه) نیست. این هیتلر نبود که به سوی چکسلواکی حرکت کرد.»

وقتی کیسینجر می‌گوید موضوع کریمه با موضوع هیتلر و غلبه جهانی از سوی روسیه مرتبط نیست، وی به استدلال مطرح‌شده از سوی کسانی می‌تازد که به دنبال تشدید اوضاع هستند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا بر این باور است که غرب مناقشه نظامی را سرآغاز این بحران خطاب نمی‌کند بلکه این واقعیت را به رسمیت می‌شناسد که مشکلات در اوکراین زمانی آغاز شد که اروپا و آمریکا به دنبال تطمیع اوکراین برای پیوستن به اتحادی با قدرت‌های غربی با وعده کسب کمک‌های اقتصادی بودند و جالب آنکه اکنون ناتو نیز بحث پیوستن اوکراین به این پیمان نظامی را دنبال می‌کند که به خودی خود تشدیدکننده بحران بوده و آن را به

پروشنکو» رئیس‌جمهوری فعلی اوکراین به ناچار فضای بازی را در اختیار واشنگتن قرار داده است ولی اسناد وزارت خارجه آمریکا حاکی از آن است که وی از روابط نزدیکی با واشنگتن برخوردار بوده است. شمار دیگری از مقامات دولت اوکراین نیز از روابط نزدیکی با ساختار قدرت در آمریکا برخوردارند به گونه‌ای که «کوین زیس» یک روزنامه‌نگار در مقاله‌ای که در سایت «مینت پرس نیوز» منتشر کرد، تصریح کرد: «یکی از جدیدترین مقامات ارشدی که به دولت اوکراین پیوسته «اتالیا جارسکو»، یکی از مقامات قدیمی وزارت خارجه آمریکا است که پس از انقلاب اوکراین به این کشور اعزام شد و در همان روزی که از سوی رئیس‌جمهوری به سمت وزارت دارایی رسید، به تابعیت اوکراین درآمد.»

آمریکا یکی از مهم‌ترین بخش‌های تجاری اوکراین یعنی بخش انرژی را نیز تحت نفوذ خود دارد. به نوشته کوین زیس «پس از کودتای تحت حمایت آمریکا، جو بایدن، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، هانتز بایدن و داوون آرچر از دوستان نزدیک جان کری وزیر خارجه، عضو هیات مدیره هلدینگ «بوریسمما»، شرکت تولیدکننده گاز اوکراین و بزرگ‌ترین تولیدکننده مستقل گاز اوکراین از لحاظ حجم، شده‌اند.»

تسخیر مجازی دولت اوکراین دقیقاً در تضاد با آن چیزی است که کیسینجر خواستار آن شده بود. وی مارس گذشته در مقاله‌ای تصریح می‌کند: «اگر اوکراین به دنبال ادامه بقا و آبادانی است باید از پیوستن به یک طرف بر ضد طرف دیگر اجتناب کند و به عنوان پلی بین دو طرف عمل کند.»

در طرف دیگر این شطرنج خطرناک، فردی چون پوتین قرار دارد که اتفاقاً دیدگاهی کاملاً واقع‌گرایانه به دنیای اطراف خود دارد که از حس ملی‌گرایانه قوی وی نشأت گرفته است. پوتین به‌خوبی می‌داند اوکراین صدها سال بخشی از امپراتوری تزاری و همچنین دهها سال، از جمهوری‌های تشکیل‌دهنده شوروی سابق بوده و باقی ماندن آن در حوزه نفوذ روسیه از اهمیتی حیاتی برخوردار است. پوتین «ویکتور یانوکویچ» رئیس‌جمهوری قانونی اوکراین از قدرت منجر شد، هنوز هم در تلاش برای مدیریت صحنه سیاسی اوکراین است. به نظر می‌رسد «پترو

ادامه در صفحه ۱۲